



Studies on Israel - US
Vol 25. No 2. Summer 2024
Received date: 2024.05.01
Acceptance date: 2024.06.20



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Cognitive Battle with an Emphasis on the Delegitimization of the Zionist Regime

Davoud Nazarpour¹, Javad Monzavi Barzaki²



Abstract

The challenge of the legitimacy of the Zionist regime in the international arena has been formed since its establishment and has continued until now. Contrary to the usual and popular wars against countries, in which the element of knowledge is considered as a complementary, subordinate and dependent element, in the battle for legitimacy, this element, i.e. knowledge, becomes the most important and effective. In the cognitive battle against the Zionist regime, even more concrete and objective measures such as trying to increase restrictions against it are pursued with the aim of questioning the image of this regime in the eyes of public opinion, focusing on cognitive effectiveness and challenge its existence as a Jewish nation-state. With this description, the confrontation to maintain the legitimacy of the Israeli regime can be considered as a suitable issue to understand in the framework of cognitive battle. This article is descriptive-analytical in terms of method and practical in terms of purpose. The centrality of collecting information and data with library references and review of works written in the field of cognitive warfare is to investigate the actions taken by the delegitimizes or supporters of the delegitimization of the Zionist regime and then it examines and evaluates the reactions of its opponents (supporters of delegitimization).

Keywords: Cognitive Battle, Delegitimization, Zionist Regime.

1 - PhD Student of International Relations, Azad University, North Tehran Branch.

2 - Member of the Faculty of Malek Ashtar University of Technology, Isfahan, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

نبرد شناختی با تاکید بر مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی

داوود نظریور^۱، جواد منزوی برزکی^۲



چکیده

چالش بر سر مشروعیت رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌الملل از زمان تأسیس آن شکل گرفته و تا به حال نیز ادامه داشته است. بر خلاف جنگ‌های معمول و رایج صورت گرفته علیه کشورها که در آن عنصر شناخت به‌عنوان یک عنصر مکمل، تبعی و وابسته قلمداد می‌شود، در نبرد بر سر مشروعیت، این عنصر یعنی شناخت، بیشترین و اثرگذارترین اهمیت را پیدا می‌کند. در نبرد شناختی علیه رژیم صهیونیستی، حتی اقدامات ملموس و عینی‌تر نظیر تلاش برای افزایش محدودیت‌ها بر ضد آن با این هدف دنبال می‌شوند که وجهه این رژیم را با محوریت اثرگذاری شناختی در نزد افکار عمومی زیر سوال ببرند و موجودیت آن به‌عنوان یک دولت-ملت یهودی را با چالش مواجه سازند. با این توصیف، رویارویی برای حفظ مشروعیت رژیم اسرائیل می‌تواند به‌عنوان یک موضوع مناسب برای فهم در چارچوب نبرد شناختی در نظر گرفته شود. این مقاله از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بوده و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد.

محوریت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها با ارجاعات کتابخانه‌ای و بررسی آثار به رشته تحریر درآمده در حوزه نبرد شناختی است و به بررسی اقدامات صورت گرفته از سوی مشروعیت‌زدایان یا حامیان مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی پرداخته و سپس واکنش‌های مخالفان آن (موافقان مشروعیت‌زدایی) را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: نبرد شناختی، مشروعیت‌زدایی، رژیم صهیونیستی.

۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال.

۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه

بحث مشروعیت حکومت و مبانی آن از دیرباز توجه فلاسفه، اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان را به خود معطوف داشته و به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه و جامعه‌شناسی همواره در کانون تحقیقات و پژوهش‌ها قرار گرفته است. محور تحقیقات نیز عمدتاً بر این پایه بوده که نشان دهند حاکم بر چه مبنایی حق حکومت و اعمال قدرت سیاسی پیدا کرده و مردم با چه مجوزی این حق را مورد پذیرش قرار داده‌اند. به عبارتی، در پی پاسخگویی به این پرسش بوده‌اند که چرا باید اطاعت کنیم؟ چرا در یک جامعه عنوان فرمانروا و عده‌ای کثیر به‌عنوان فرمانبردار، ملزم به اطاعت از طبقه فرمانروا هستند؟ اساساً حاکمان از کدامین منبع و منشأ چنین حقی را اخذ کرده‌اند؟ حق حکومت کردن را از کجا به دست آورده‌اند؟ اینها از جمله پرسش‌های اساسی در طول تاریخ تفکر سیاسی بوده است.

در تعاریف به عمل آمده از مشروعیت اختلاف زیادی وجود دارد. برخی پذیرش مردمی را ملاک اصلی می‌دانند و برخی دیگر ملاک‌های عینی‌تری همچون شایستگی نظام را مهم می‌شناسند که رهیافت‌های گوناگونی از آن داشته‌اند. شاید ارائه تعریف واحدی از مسئله مشروعیت که مورد پذیرش تمامی آنها است، مقدور نباشد. با همه این تعاریف، لازم به ذکر است که ما بیشتر در پی رهیافت جامعه‌شناسانه بر عناصر مشروعیت می‌باشیم و همان‌طور که می‌دانیم از نگاه جامعه‌شناختی، مشروعیت امری ذاتاً نسبی می‌باشد (لیپست، ۱۳۸۳: ۳)، به همین دلیل مفهوم مشروعیت همچنان یک مفهوم بسیار پیچیده باقی مانده و کار در این زمینه با اختلاف نظر همراه است (Stryker, 1994). از همین رو است که در رابطه با مشروعیت در حکومت‌های دینی، نویسندگان به صورت تقلیل‌گرایانه به آن نظر کرده‌اند و صرفاً یک یا دو بعد آن را مورد توجه قرار داده‌اند. صدرا در کتاب مشروعیت سیاسی هم در همین رابطه نگاه تقلیل‌گرایانی را که فقط یکی از منابع مشروعیت را مساوی مشروعیت می‌گیرند، نزدیک به واقعیت تلقی نمی‌کند و معتقد است که مشروعیت یک مفهوم چند بُعدی می‌باشد (صدرا، ۱۳۸۷: ۴۲). در حقیقت مشروعیت خود جزئی از یک شبکه مفهومی هم‌بسته و به هم تافته قلمداد می‌شود که بدون لحاظ نمودن پیوست‌ها و گسست‌هایش با مفاهیم و مؤلفه‌های سازنده این شبکه، نمی‌توان به حصول درک مناسب و معتبری درباره آن امیدوار بود. کلید فهم مفهوم مشروعیت در شناسایی خصلت چند بُعدی آن می‌باشد که برای فهم صحیح آن نباید دچار تقلیل‌گرایی شد و باید به تمام ابعاد آن توجه کرد و هر گونه تقلیل‌گرایی در این رابطه باعث قربانی شدن حق مطلب می‌باشد و لذا حکومت‌ها را دچار گمراهی کرده و به مرور زمان نظام سیاسی در بازتولید و تقویت مبانی مشروعیت خود دچار مشکل

شده و مشروعیت‌اش رو به زوال می‌گراید. در همین رابطه ما به مشروعیت به‌عنوان یک مفهوم چند ضلعی معتقد هستیم که همه اضلاع آن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و باعث تقویت و تضعیف یکدیگر می‌شوند و هیچ کشور یا نظام سیاسی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

نبرد شناختی بخشی جدا نشدنی در هر اقدام سیاسی و نظامی است. نبرد شناختی در ابتدای هر فعالیتی، مقدماتی را فراهم می‌کند و برای به کارگیری قدرت سخت و نرم مشروعیت ایجاد می‌نماید. نبرد شناختی، امکان اعمال ابعاد و مولفه‌های مختلف قدرت را به طور مستمر میسر می‌سازد و امکان بهره‌برداری‌های سیاسی و نظامی را محقق می‌کند. نبرد شناختی در پایان، بر دستاورد حاصل از قدرت‌های به کار گرفته شده تأکید می‌کند و سعی بر آن دارد که این دستاورد را با وجود گذشت زمان حفظ نماید و از دستاوردهای شناختی دشمن ممانعت به عمل آورد (Nye, 1990: 71-153).

در عصر اطلاعات، نبرد شناختی به یک عنصر مهم امنیت ملی در کشمکش‌های میان کشورها و گروه‌های فرو دولتی تبدیل شده است. این نوع از نبرد، عنصری نهفته و جدا نشدنی در هر درگیری نظامی و راهبردی به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، نبرد شناختی نقش بسیار مهم و پررنگ‌تری را در مقایسه با آنچه که در گذشته داشته، ایفا کرده است. نبرد شناختی گاهی اوقات بدون یک علت مستقیم نظامی به وقوع می‌پیوندد و حتی در برخی مواقع با هدایت نهادهای نظامی انجام نمی‌شود. نبرد شناختی یک کارزار مستمر و تمام ناشدنی است و از این رو، در اوج جنگ‌ها به‌عنوان بخشی از نبردهای بی‌پایان به خوبی برجستگی و سرآمدی خود را نشان داده است (-Kuperwasser and Siman-Tov, 2019: 10).

دسترسی سهل‌الوصول‌تر به اطلاعات از طریق ابزارهای بسیار پیشرفته در نتیجه دگرگونی وسیع در جریان انتقال اطلاعات و جهش‌های فناورانه طی چند سال گذشته، باعث شده که نبرد شناختی لایه‌های متنوعی را به خود بگیرد و در پیشبرد سیاست‌ها و اهداف بازیگران مختلف در نظام بین‌الملل در شرایط جنگ و صلح، اهمیت بیشتری یابد.

دستیابی به یک تأثیر شناختی در نتیجه نبرد شناختی، مستلزم انجام اقدامات متعدد با هدف مهندسی دیدگاه‌های جوامع هدف مختلف از جمله دشمن، افکار عمومی داخل، افکار عمومی دشمن، محیط منطقه‌ای و جامعه بین‌الملل در برخورد با واقعیت می‌باشد. به عبارت دیگر هدف، رسیدن به یک آرمان راهبردی از پیش تعریف شده می‌باشد. شناخت همیشه ذهنی است و با فرهنگ و دیدگاه‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی جوامع مختلف و با انتظارات آنها روزآمد می‌شود و در طول زمان شکل می‌گیرد و

تکامل می‌یابد. اما با این حال، شرایطی حادث می‌شود که طی آن تنها داشتن یک تصویر از واقعیت می‌تواند درک آن را دگرگون کند.

ایجاد شناخت در جنگ بین بازیگران متخاصم چندین مرحله را شامل می‌شود از جمله روایت‌سازی از جنگ با توصیف واقعیت از پیش مسلط، ضرورت تغییر شرایط و مشروعیت بخشی به آن یا حفظ شرایط جاری به دلیل یک ارزیابی خاص، دلایل تعیین اهداف سیاسی-نظامی و شیوه‌های به راه انداختن نبرد به نحوی که در آگاهی جوامع مختلف مورد نظر با هدف حرکت در مسیر اهداف راهبردی اثرگذار باشد.

اقدامات مختلف و ابزارهای به کار گرفته شده برای راه‌اندازی یک نبرد شناختی هدفمند با هدف تغییر شناخت، بایستی با روایتی که بازیگر خواهان انتقال آن به جامعه هدف مشخص است، همخوانی داشته باشد. به این ترتیب ایجاد شناخت مؤثر واقع می‌شود و مشروعیت اعمال قدرت سخت به‌ویژه قدرت نظامی را تحکیم می‌بخشد تا اینکه دستاوردهای اعمال قدرت سخت و قدرت نرم به دستاوردهای سیاسی و بین‌المللی تبدیل شوند. از این رو، امکان تصویرسازی از پیروزی با هدف نمایان ساختن نیل به اهداف سیاسی و نظامی و تعدیل دستاوردهای دشمن فراهم می‌شود.

اقدام برای ایجاد و راه‌اندازی یک نبرد شناختی، فرایندی مستمر برای مهیا کردن صورت اصلی رویدادها، به جامعه هدف است. قلمرو اصلی تحت حکمرانی نبرد شناختی، اشراف بر شیوه و شگرد طرف‌های متخاصم نبرد است که دستاوردهای خود را با میزان تحقق آنها در عمل متناسب با اهداف تعیین شده از قبل می‌سنجند. در قلمروی دوم، عملیات‌های شناخت به سوی جوامع بیرونی سوق داده می‌شود که به طور مستقیم درگیر عملیات نیستند. با این حال، از این قابلیت برخوردار هستند که بر اثرگذاری دستاورد، تأثیر بگذارند. چنین نوعی از شناخت، از طریق تحلیل واقعیات جوامع و بازیگران عرصه‌های محلی و بین‌المللی حاصل می‌شود و پیامدهای قابل توجهی بر میزان مشروعیت به منظور مدیریت یک رخداد با استفاده از ابزار بازدارندگی و دیگر ابزارها دارد. از این رو، می‌توان به این نتیجه رسید که شکست در نبرد شناختی، سبب شکست در نبرد نظامی و غیره شود. در نقطه مقابل آن، موفقیت در این نوع از نبرد، می‌تواند دستاوردهای نظامی را به موفقیت‌های سیاسی رهنمون نماید و کمبود دستاوردهای عرصه نبرد یا کارزارهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. بنابراین اقدامات شناختی در آغاز هر نبردی اعم از نظامی، سیاسی و غیره برای اعمال قدرت سخت یا نرم، مشروعیت‌سازی می‌کنند (Kuperwasser & Siman-Tov, 2019: 112-175).

ایزدی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان کشمکش بر سر برندسازی رژیم اشغالگر صهیونیستی در آمریکا: مطالعه موردی جنبش بی.دی.اس و دانشگاه هرتزیلای رژیم صهیونیستی در قالب پژوهشی نظام‌مند به این موضوع پرداخته‌اند که حامیان و یا مخالفان رژیم صهیونیستی از جمله جنبش بی.دی.اس به‌عنوان مخالف این رژیم، از چه روش‌هایی برای بازنمایی این مخالفت استفاده کرده‌اند. باسیم اید^۱ (۲۰۱۶) در تارنمای اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک به بررسی پرونده بی.دی.اس در فلسطین پرداخته و این طور نتیجه‌گیری کرده است که مبدعان این جنبش همگی در بیرون از سرزمین‌های اشغالی حضور دارند و هر نوع بایکوت و تحریم رژیم اسرائیل و یا ادامه فعالیت جنبش بی.دی.اس به نفع فلسطینیان نخواهد بود. روس اگلاش^۲ در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۷ در تارنمای واشینگتن‌پست منتشر شده است، پیرامون عملکرد نژادپرستانه رژیم اسرائیل، به ریشه‌های ایجاد جنبش تحریم و علل نژادپرست نامیده شدن دولت تل‌آویو به نقل از گزارش‌های سازمان ملل و با استناد به مطالعه موردی اوضاع کرانه باختری و غزه پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی مفهوم مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی و ارزیابی آثار و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای آن بر این رژیم با محوریت نبرد شناختی می‌باشد. این مقاله از نظر هدف تحقیق، کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. سوالی که در ادامه مطرح می‌شود این است که ریشه‌های پدیده مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل چیست و حامیان آن چه اقداماتی را در راستای هدف فوق انجام داده‌اند و واکنش این رژیم و طرفداران آن چه بوده است؟ فرضیه ما در این مقاله این است که در وهله اول سیاست‌های دنبال شده از سوی رژیم اسرائیل در برخورد با مخالفان (گروه‌های فلسطینی)، ریشه اصلی راه‌اندازی و شکل‌گیری سیاست مشروعیت‌زدایی علیه این رژیم در منطقه و جهان شده است. با این حال، راه‌اندازی جنبش‌های مخالف مشروعیت‌زدایی و حامی اسرائیل، موفقیت سیاست‌های دنبال شده از سوی نیروهای مشروعیت‌زدا را با چالش مواجه نموده است. مقاله پیش رو، ابتدا به بررسی ریشه‌های پدیده مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی با تاکید بر اقدامات جنبش بایکوت، تحریم و فشار در مقابله با رژیم اسرائیل می‌پردازد. سپس راهبرد فعالان جنبش مشروعیت‌زدایی‌کننده از رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم، محیط جنگی تقابل میان روایت‌های موجود در درون این نوع از نبرد را بیان می‌کند. بخش چهارم به کارزار مشروعیت‌زدایان از اسرائیل پرداخته می‌شود. در بخش پنجم،

1 - Bassem Eid

2 - Ruth Eglash

واکنش مخالفان مشروعیت‌زدایی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و با تحلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و ویژه نبرد شناختی به پایان می‌رسد.

۲- ریشه‌های مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی

نبرد انکار مشروعیت رژیم اسرائیل به‌عنوان یک دولت ملی قوم یهود، پیش از تأسیس این کشور آغاز شد. دولت‌های عربی در طی سال‌های متمادی، عمدتاً از طریق ابزارهای دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی این نبرد را هدایت می‌کردند. از سال ۲۰۰۱ نیز گروه‌های وابسته به جامعه مدنی به همراه سازمان‌های مختلف فلسطینی، مدیریت و هدایت نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل را بر عهده گرفته بودند. این گروه‌ها با هدف تأثیرگذاری بر جوامع هدف گسترده و تصمیم‌گیران، عمدتاً در کشورهای غربی فعال بودند. در نتیجه، حوزه عمومی - خصوصاً رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی - به عرصه و آوردگاه اصلی انجام عملیات به دلیل تأثیرگذاری فزاینده آنها بر فرایندهای تصمیم‌سازی در ابعاد گوناگون زندگی تبدیل شدند (Kurzand Brom, 2011).

نخستین نشست با عنوان کنفرانس دوربان که در سال ۲۰۰۱ در این شهر واقع در آفریقای جنوبی برگزار شد، برای وضعیت فعلی پدیده مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل نقطه عطف مهم محسوب می‌شد. این کنفرانس که بیش از ۱۵۰۰ سازمان وابسته به جامعه مدنی در آن حضور داشتند، گرچه در ظاهر به مبارزه علیه نژادپرستی و به طور کلی علیه بیگانه‌ستیزی می‌پرداخت، با این حال، بخش قابل توجهی از بیانه‌های منتشر شده آن به رژیم اسرائیل مربوط می‌شد و مشروعیت آن را به چالش می‌کشید. این کنفرانس تحت نظارت و پشتیبانی سازمان ملل قرار داشت.

در این کنفرانس، رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک رژیم استعمارگر و اشغالگر معرفی شد. رژیم که یک نظام مبتنی بر نابرابری را برپا کرده بود، به نقض حقوق فلسطینی‌ها می‌پرداخت، جنایات ضد بشری مرتکب می‌شد و قوانین بین‌الملل را زیر پا می‌گذاشت. یکی از نهادهای مشهور و پیشرو در کارزار مشروعیت‌زدایی از اسرائیل جنبش بی.دی.اس^۱ (بایکوت، تحریم و فشار) بود.

این نهاد در سال ۲۰۰۵ به وسیله حدود ۱۷۰ سازمان که ندای بایکوت نمودن رژیم اسرائیل را سر می‌دادند، تأسیس گردید. جنبش بی.دی.اس شبکه‌ای، به طرز غیر متمرکز و تقریباً بدون منشور واحد و نهادی عمل می‌کرد. صدها سازمان در سرتاسر جهان در حال حاضر در چارچوب این نهاد فعالیت

می‌کنند. آنها نبردهایی را برای بایکوت کردن رژیم اسرائیل سازماندهی می‌نمایند، جلوی سرمایه‌گذاری در این رژیم را می‌گیرند و تحریم‌هایی را بر علیه رژیم صهیونیستی و افراد مرتبط با آن اعمال می‌کنند. جنبش بی.دی.اس دارای یک سازمان فراگیر فلسطینی به نام کمیته ملی بی.دی.اس تحت عنوان کمیته ملی بایکوت است که همه سازمان‌های فلسطینی متعهد به فشار بر رژیم اسرائیل را در بر می‌گیرد. این سازمان، سیاست بایکوت اسرائیل را مدیریت می‌کند و اقدام به هماهنگ‌سازی و انسجام در اقدامات طرف‌های مختلف درگیر با موضوع فلسطین را می‌نماید. دیگر سازمان‌های فعال در جنبش بی.دی.اس هم به منظور مشروعیت‌زدایی از اسرائیل با یکدیگر همکاری می‌کنند (Palestinian BDS National Committee).

جنبش بی.دی.اس بیشتر اهداف و راهبردهای خود را از جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده آمریکا به رهبری مارتین لوتر کینگ و جنبش مبارزه بر ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا برداشت کرده است. بیش از ۳۷۰ سازمان غیر دولتی فلسطینی و احزاب سیاسی و سندیکا‌های حرفه‌ای و هیئت‌ها و اتحادیه‌های مختلف و جنبش‌های مردمی تو مار درخواست برای تحریم اسرائیل را امضا کردند. درخواست تحریم اسرائیل با هدف اذعان به حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت و تسلیم شدن این رژیم در برابر قوانین بین‌الملل از طریق اقدامات زیر است.

- اول، پایان اشغالگری و استعمار اراضی عربی و از بین بردن دیوار حائل.
- دوم، به رسمیت شناختن حق اساسی برابری کامل شهروندان عرب فلسطینی.
- سوم، اجرای حق بازگشت بر اساس مصوبه شماره ۱۹۴ سازمان ملل متحد.

۳- استراتژی فعالان جنبش مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی

استراتژی جنبش مخالف اسرائیل و پشتیبانان آن را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. در بخش خارجی، استراتژی جنبش بی.دی.اس مبتنی بر تغییر تدریجی است که از طریق آن گام اولیه برای تحریم اسرائیل و خارج کردن سرمایه‌گذاری‌ها در تمامی ابعاد اقتصادی، علمی، فرهنگی، ورزشی و نظامی از سرزمین‌های اشغالی به اجرا گذاشته شود. به این ترتیب می‌توان به هدف نهایی یعنی انزوای اسرائیل و تحمیل محاصره بین‌المللی بر این رژیم در ابعاد متعدد رسید. بی.دی.اس پیچیدگی ائتلاف‌های بین‌المللی حامی اسرائیل و اختلاف رویکردهای بین‌المللی در این رابطه را می‌داند، به همین علت رویکرد خود را بر اساس «حساسیت روش» قرار داده است، به این معنا که فعالیت جنبش و متحدان آن بر اساس ترسیم اهداف و استراتژی‌ها، شرایط داخلی و روش تعامل با آنها است. به همین علت

همجسه‌های متعدد جنبش مذکور به صورت غیر متمرکز دنبال می‌شود. برخی از فعالان این جنبش تصمیم به تحریم تمامی دانشگاه‌های اسرائیل نموده‌اند، در حالی که برخی دیگر، تحریم شرکت‌های فعال در سرمایه‌گذاری به شکل غیر قانونی در شهرک‌های صهیونیست‌نشین کرانه باختری و اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ را در دستور کار قرار داده‌اند. در زمینه اجبار شرکت‌ها برای خارج کردن سرمایه‌گذاری‌های خود از اسرائیل، فعالان این جنبش رویکردهای منظم و مستمری را برای تضعیف شرکت‌های سرمایه‌گذار در اسرائیل (به‌ویژه در بخش شهرک‌سازی در کرانه باختری) اتخاذ نموده‌اند.

در حوزه داخلی، استراتژی جنبش بی.دی.اس در داخل اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ مبتنی بر تحریم کالاها و مؤسسات اسرائیلی و آگاه‌سازی فلسطینی‌ها در زمینه اهمیت این تحریم است. کمیته ملی تحریم کالاهای اسرائیلی و کمیته هماهنگی تحریم مردمی که اخیراً تشکیل شده است، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که برای بسیج افکار عمومی در این راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جنبش همچنین به دنبال تشدید رویکرد تولیدات ملی و ایجاد جایگزین‌ها در برابر کالاهای اسرائیلی از نظر کیفیت و قیمت است.

با وجود موفقیت‌های متمادی جنبش تحریم اسرائیل در ابعاد بین‌المللی، اما تأثیرگذاری این جنبش همچنان در سطح داخلی ضعیف است، چرا که بازارهای فلسطینی بعد از بازارهای آمریکا از نظر فروش کالاهای اسرائیلی در رتبه دوم قرار دارد. این موضوع تا حد زیادی به ضعف هماهنگی بین جنبش تحریم اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین باز می‌گردد. تشکیلات خودگردان همچنان بر روی احیای روند سازش و مذاکرات دو جانبه با طرف اسرائیلی حساب کرده است و نسبت به واکنش این رژیم در صورت پذیرش طرح تحریم فراگیر آن می‌ترسد. همچنین تحریم کالاهای اسرائیلی در نوار غزه نیز بسیار مشکل است، به‌ویژه بعد از اینکه تونل‌های ارتباطی بین مصر و نوار غزه از بین رفته و رژیم اسرائیل محاصره اقتصادی و تخریب کارگاه‌های غزه را در جنگ‌های اخیر تشدید کرده است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۷۴).

۴- محیط نبرد: تقابل روایات

به منظور درک محیط نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل و نحوه شکل‌گیری شناخت درباره آن، فهم گستره ذهنی-نظری و ایدئولوژیک که مشروعیت‌زدایی از اسرائیل در این محیط رخ می‌دهد و همچنین درک واقعیات جاری ضرورت دارد. فرایندهای عمده تاریخی و محرک‌های اجتماعی از قبیل روندها و جنبش‌های ایدئولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر شکل‌گیری شناخت و به‌خصوص نحوه تلقی

از رژیم اسرائیل تأثیر گذاشته است. در زمان طراحی یک واکنش، همه این موارد باید مورد توجه قرار گیرد.

امروزه روایت مهم و غالب در میان بسیاری از جوامع لیبرال و مترقی در دنیای غرب نه تنها نسبت به موجودیت و ماهیت رژیم اسرائیل، بلکه نسبت به بسیاری از مبانی فرهنگ غربی و نظم جهانی کنونی، خصمانه است. پس از دو جنگ جهانی و حتی پیش از آن، متعاقب آشکار شدن میزان و شدت جنایات هولوکاست، جریان گسترده‌ای در غرب برای مقابله با بنیادهای ایجادکننده نظم کنونی و ضرورت بازنگری در آن شکل گرفت.

کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی، از سیاست‌های این رژیم در قبال مسئله فلسطین به‌عنوان «جنایت» یاد می‌کنند و اسنادی را از سوءاستفاده رژیم ظالم امپریالیست، استعمارگر و نژادپرست اسرائیل از مردمان محلی، سایر افراد ساکن و قربانیان بیگناه (فلسطینی‌ها) ارائه می‌کنند (Jewish Voice for Peace). نمود بارز این نوع از جهان‌بینی را برای مثال می‌توان در راهپیمایی بزرگ بازگشت (تظاهرات سازماندهی شده مردم در نوار غزه که از ماه مارس ۲۰۱۸ در مرز غزه با رژیم صهیونیستی شروع شد) مشاهده کرد.

سازمان‌های مخالف رژیم اسرائیل برای توصیف حوادث غزه، از ادبیات فلسطینی‌ها بهره می‌گرفتند و تظاهرات آنها را تظاهرات مردمی و راهپیمایی عاری از خشونت و بدون وابستگی به حزب سیاسی خاص می‌نامیدند و همچنین نبرد فی‌مابین را طوری جلوه می‌دادند که گویی بین تظاهرات مردمی فلسطینی‌های حامی حقوق اساسی بشر و یک ارتش تا دندان مسلح رخ می‌دهد. این سازمان‌ها و گروه‌ها اقدامات خود را به نحوی انجام می‌دادند که به نقش حماس در سازماندهی تظاهرات اشاره نشود و هیچ انتقادی از خشونت و کاربرد زور از سوی فلسطینی‌ها در طی این تظاهرات بیان نمی‌نمودند (Ibid). جهان‌بینی‌هایی که با رژیم اسرائیل و نظم جهانی غرب دشمن بودند، موجودیت «اتحاد سرخ و سبز» را که شامل اتحاد سازمان‌های اسلامی (سبز) و سازمان‌های چپ‌گرای تندرو (سرخ) بودند، میسر می‌ساختند. این اتحاد نانوشته، طی دو دهه گذشته فعالیت‌های ضد رژیم اسرائیل را در غرب هدایت می‌کرد و موفق شده بود که با گروه‌های دیگر همچون اقلیت‌ها و جوامع محروم که عمده فعالیت‌هایشان شامل مبارزه با نظم کنونی، طبقه نخبگان و دستگاه حاکم بود، متحد شود.

تلاش برای ملحق نمودن گروه‌ها، جوامع و تبدیل دستورکارها و اهداف گوناگون به یک مبارزه مشترک از سوی «قربانیان» بر ضد همه افرادی که «ظالم» نمایانده می‌شدند، اشتراک باورها نامیده می‌شود. به

این ترتیب، سازمان‌های مخالف رژیم اسرائیل در قرار دادن مسئله فلسطین به‌عنوان اولویت داخلی و جهانی و نیز در ایجاد اتحاد میان مظلومان و ارتباط مبارزه خود با مبارزه کسانی که به دنبال پیشبرد حقوق محرومان هستند، موفق بوده‌اند. این گروه‌ها شامل سیاهان، دگراندیشان، مهاجران، زنان، فعالان حوزه محیط زیست، فعالان حقوق بشر، اتحادیه‌های کارگری و غیره می‌شدند.

استفاده از اشتراک‌باورها، روایت مبارزه فلسطینی‌ها را به‌عنوان یک مبارزه مشروع برای احقاق حقوق یک گروه به حاشیه رانده شده و مظلوم تقویت می‌نماید. از همین رو، مخاطبان هدف بسیاری جذب این نبرد می‌شوند در حالی که اهداف واقعی مجریان اصلی نبرد انکار موجودیت رژیم اسرائیل به‌عنوان یک دولت-ملت یهود و قرار دادن مسئله فلسطین به‌عنوان یک اولویت جهانی می‌باشد.

از منظر مخالفان رژیم اسرائیل، این دو موضوع (اولویت قائل شدن بر موضوع فلسطین و انکار موجودیت رژیم صهیونیستی) یک اصل بوده و اقدامی در راستای بهره‌برداری از فرصت‌های ویژه نمی‌باشد. به این ترتیب، نسل جدید، رژیم اسرائیل و یهودیان آواره را -که در گذشته الگو، منبع الهام و شریک مهم برای بسیاری از گروه‌های اقلیت که در پی احقاق حقوق و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن جایگاه خود بودند- به‌عنوان یک نمونه واضح از سفیدپوستان قدرتمند قلمداد می‌کنند و بسیاری از گروه‌ها، آنها را مسئول ظلم به گروه‌های محروم و اعمال شنیع علیه مظلومین می‌شناسند.

توانایی طرفداران مخالف اسرائیل و جنبش بی.دی.اس برای اتحاد این گروه‌ها جهت نیل به یک هدف مشترک و به کارگیری آنها برای انجام برخی اقدامات به منظور آسیب به اسرائیل و یهودیان، یک منبع قدرت قابل توجهی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. از طرف دیگر، گوناگونی دستورکارها، جهان‌بینی‌ها، جوامع و اهداف حامیان گروه‌های مخالف رژیم اسرائیل، اقدام به ایجاد یک جبهه منسجم و با ثبات را دچار ضعف‌ها و آسیب‌های احتمالی می‌کند.

کاهش در قدرت ابراز حقیقت همچنین می‌تواند تبیین‌کننده عوامل تأثیرگذار در میان جوامع هدف گوناگون و چالش‌هایی باشد که رژیم اسرائیل در بیان تجربیات افکار عمومی خود با آنها دست به گریبان است. اخیراً گزارش منتشر شده از سوی موسسه رند با عنوان «زوال حقیقت» چنین روندی را مورد بررسی قرار داده و به بحث درباره ویژگی‌های اساسی و عوامل عمده منجر به زوال حقیقت می‌پردازد.

این گزارش گرچه بر آمریکا متمرکز بوده، با این حال می‌توان نتایج آن را به سایر کشورها نیز تسری داد. بر اساس گزارش فوق، اختلاف گسترده در تشخیص میان حقیقت و خیال، مرزهای مبهم میان

حقایق و نظرات، رشد دامنه نظرات و کمرنگ شدن اعتماد به منابع و موسساتی که در گذشته معتبر قلمداد می‌شدند، از جمله ویژگی‌های عصر کنونی هستند. عوامل عمده درگیر عبارت هستند از ناکامی‌های شناختی و نحوه پردازش اطلاعات و اتخاذ تصمیمات از سوی مردم، تغییرات در سامانه‌های اطلاعاتی از قبیل رشد اهمیت رسانه‌های اجتماعی که بر حجم اطلاعات، تنوع نظرات و پخش وسیع اطلاعات نادرست، چند دستگی‌های سیاسی و اجتماعی، تنوع آماری و اقتصادی که اختلافات را تشدید می‌کنند.

چند دستگی سیاسی در داخل آمریکا همچنین بر نگاه‌ها نسبت به رژیم اسرائیل تأثیر می‌گذارد. نظرسنجی صورت گرفته از سوی موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که ۸۷ درصد جمهوری خواهان در ایالات متحده با رژیم اسرائیل احساس همبستگی می‌کنند، در حالی که این رقم برای دموکرات‌ها تنها ۴۹ درصد است. مرکز تحقیقات پیو، چند دستگی میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را در مورد رژیم اسرائیل بیش از این توصیف می‌کند. طبق یافته‌های این مرکز، ۷۹ درصد از جمهوری خواهان بیشتر فلسطینی‌ها، با اسرائیلی‌ها احساس همراهی و همبستگی می‌کنند. در نهایت نظرسنجی‌های انجام شده از سوی موسسه پیو در میان دموکرات‌های لیبرال، وضعیت را بدتر از این هم نشان داد. در این نظرسنجی، ۳۵ درصد از آنها همراهی و همسویی خود را با فلسطینی‌ها به نمایش گذاشتند و ۱۹ درصد نیز به پشتیبانی از رژیم اسرائیل پرداختند. این چند دستگی سیاسی در ایالات متحده با واقعیت سیاه و سفید که اشاره به ما و آنها دارد، نمود پیدا کرد. در طی دو سال گذشته در ایالات متحده، جنبش اعتراضی بزرگی بر ضد پرزیدنت دونالد ترامپ شکل گرفته است و چون رژیم اسرائیل به عنوان متحد اصلی دولت ترامپ قلمداد می‌شود، موج اعتراضات مردمی و سیاسی بر ضد رئیس‌جمهور آمریکا، در برخی مواقع پدیده مشروعیت‌زدایی از اسرائیل را تشدید کرده است. در شرایطی که چند دستگی و قطبیت در داخل آمریکا به وجود آید، حمایت دو حزب (جمهوری خواه و دموکرات) از رژیم اسرائیل که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در روابط ویژه ما بین دو کشور به شمار می‌رود، در خطر قرار می‌گیرد. علاوه بر این، بسیاری از یهودیان آمریکایی دچار تنش و اختلافات گسترده با پرزیدنت ترامپ به خاطر مخالفت فراگیر آنان با حمایت‌های وسیع رئیس‌جمهور آمریکا از رژیم صهیونیستی شده‌اند.

چالش مهم دیگر موضوع سنجش است. ترکیب ابعاد عینی، هیجانی و شناختی که مربوط به مواضع جهان‌بینی‌ها و احساسات می‌شوند، از یک سو، سنجش میزان تغییر تهدیدات را در گذر زمان و نیز موفقیت‌ها و ناکامی‌های اقدامات ضد اسرائیلی را با مشکل مواجه می‌کند و از طرف دیگر باعث می‌گردد

تلاش‌های اردوگاه هوادار رژیم اسرائیل در تأثیرگذاری بر جهان‌بینی و مواضع مخاطبان هدف با مشکل روبه‌رو شود.

فهم این چالش‌ها بسیار مهم هستند، چون راهبری و شناخت جوامع هدف یک فرایند طولانی مدت می‌باشد که از متغیرهای زیادی تأثیر می‌پذیرد. متغیرهایی که جدا کردن و ارتباط آنها به یک اقدام یا اقدام دیگر با مشکل همراه است (مهدی‌زاده سراج و دبیری مهر، ۱۱۶-۱۲۲).

۵- کارزار مشروعیت‌زدایی از اسرائیل

پدیده مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل، امنیت ملی این رژیم به‌ویژه آزادی عمل آن را در تصمیم‌گیری و انجام اقدامات در حوزه‌های مختلف به مخاطره می‌اندازد. در دوران نوین جهانی، مشروعیت شرط لازم برای یک کشور به منظور انجام کنش در گذر زمان در هر حوزه و زمینه‌ای است. افزون بر این، پدیده مشروعیت‌زدایی می‌تواند عواقب و پیامدهای گسترده‌ای بر اتحاد و همبستگی میان جامعه صهیونیستی و جوامع یهودی سراسر دنیا داشته باشد. در سال‌های اخیر، مفهوم اتحاد و همبستگی، تأثیر فزاینده‌ای بر حس امنیت یهودیان آواره داشته است. در نتیجه، نبردی که رژیم اسرائیل و هواداران آن علیه پدیده مشروعیت‌زدایی به راه انداخته‌اند، هدفی جز حمایت از این رژیم و به رسمیت شناخته شدن آن در جهان ندارد. این نبرد به دنبال شناساندن حق موجودیت رژیم صهیونیستی، منحصر به فرد بودن آن، نقش آن در توسعه صلح و انسانیت و حق دفاع از خود است. این نبرد همچنین در پی شناساندن رژیم اسرائیل به‌عنوان جامعه‌ای با حقوق برابر است و خواهان استحکام بخشی به مشروعیت رژیم صهیونیستی درون خانواده ملت‌ها می‌باشد. همه این ترتیبات با هدف تقویت رژیم اسرائیل، شهروندان آن و زندگی یهودیان جهان در صلح و امنیت در کنار همسایگان خود و ایجاد امکانات لازم برای رفاه فردی، اجتماعی و ملی به وجود آمده است. خطر مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل ابعاد شناختی و هیجانی را با گام‌های واقعی در حوزه‌های دیپلماتیک، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و غیره درهم می‌آمیزد. مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل، یک نبرد چند بُعدی است که در عرصه‌های گوناگون متناسب با مخاطبان هدف متنوع مانند رده‌های مختلف سیاسی-دیپلماتیک، شهرداری‌ها، جوامع مذهبی، بخش‌های تجاری، سازمان‌های چپ‌گرا، سازمان‌های حقوق بشری و غیره رخ می‌دهد. اگرچه جنبش بی.دی.اس تا کنون خسارات ملموس و قابل توجهی به رژیم اسرائیل وارد نکرده و موفقیت‌های آنها عمدتاً بر دستاوردهای فردی و اندک متمرکز است، با این حال، با وجود عدم هماهنگی کامل میان فعالیت‌ها و اقداماتشان، گام‌های مهم و تاثیرات اجتماعی منفی که شامل ابعاد هیجانی و

شناختی می‌شوند، به طور مداوم یکدیگر را تقویت نموده‌اند. علاوه بر این، گسترش نگاه‌های منفی نسبت به رژیم اسرائیل می‌تواند خسارات راهبردی و وسیعی به امنیت این رژیم و همچنین به جوامع یهودی سراسر دنیا وارد کند. شکل‌گیری یک چنین نگاه‌هایی همچنین بر تصمیمات مصرف‌کنندگان و تجار، تصمیمات حقوقی، فعالیت‌های سیاسی، اولویت‌های اجتماعی، انتخابات پارلمانی و سیاست‌های دولت در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی تأثیر می‌گذارند.

نبرد مشروعیت‌زدایی همچنین رویدادهای واقع شده در سطح عملیاتی-تاکتیکی را مهار می‌کند تا از اهداف راهبردی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به مشروعیت و کسب حمایت استفاده کند. نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل اغلب با استفاده از مطالب ساده، به‌ویژه در شرایط درگیری رژیم اسرائیل با فلسطینی‌ها اتفاق می‌افتد. مطالب از طریق تطبیق آنها با نمادها و سیستم‌های ارزشی مخاطبان هدف در سراسر دنیا و گاهی با تحریف و خارج نمودن آنها از آن موقعیت ایجاد می‌گردند. همچنین از طریق ایجاد ارتباطات موثر و اثربخش، هیجانی و گاهی اوقات غیر منطقی میان موقعیت رژیم اسرائیل و فلسطینی‌ها، نمادها، منابع ایجاد هیجان و اقدامات از مکان، زمان و موقعیت‌های دیگر در دسترس قرار می‌گیرند. برای مثال، حوادث خشونت‌بار در نوار غزه (راهپیمایی بزرگ بازگشت) که طی آن تظاهرات هزاران فلسطینی منجر به کشته شدن ده‌ها نفر شد و همزمان انتقال سفارت ایالات متحده به بیت‌المقدس، به فعالیت سازمان‌های مخالف اسرائیل سرعت بخشیده است. علاوه بر رویدادهای جاری، تصمیمات و اقدامات رژیم اسرائیل و بیانیه‌های رهبران آن، گاهی اوقات بر آتش نبرد مشروعیت‌زدایی از اسرائیل دامن می‌زند.

نبرد مشروعیت‌زدایی با تمرکز بر نمادها و سمبل‌ها در پی تبیین و افزایش آگاهی‌ها نسبت به مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل در میان افکار عمومی است. در طی چند سال گذشته، جنبش بایکوت، نبردهای مختلفی را علیه شرکت‌های بزرگ و معروف بین‌المللی با ایراد این اتهام دامن زده که فعالیت آنها در رژیم اسرائیل و در قلمروهای آن، به اشغالگری این رژیم و جنایات جنگی آن بر ضد فلسطینی‌ها کمک کرده است. گاهی چنین به نظر می‌رسد که ارتباط میان اتهامات و واقعیت اتفاقی بوده باشد، همانند نبرد بایکوت علیه شرکت بستنی بن آند جریس^۱ در نهایت منجر به مساعدت این شرکت به سازمان بایکوت‌کننده شد یا کارزاری که به منظور تشویق ایر.بی.ان.بی.^۲ برای توقف تبلیغات

1 - Ben and Jerry's

2 - Airbnb

آپارتمان‌های شهرک‌سازی‌ها در رژیم صهیونیستی شد. زمانی که هدف در معرض دید باشد و پیام منتقل شود، آنگاه استفاده از همه ابزارها میسر می‌گردد.

با این توصیف، جنبش بایکوت بر رویدادهای فرهنگی و ورزشی نیز تمرکز کرده که به طور وسیع میلیون‌ها نفر را در سراسر دنیا پوشش می‌دهد. از این رو، فشار و در نهایت نفوذ بر هنرمندان بین‌المللی برای عدم حضور در رژیم اسرائیل در کنار جلب توجهات گسترده رسانه‌های بین‌المللی و آگاهی‌های روزافزون از ماهیت جنبش بایکوت و پیام‌های آن با موفقیت توأم بوده است.

تا به امروز، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته به منظور مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل، اکثریت نخبگان حاکم، دولت‌ها و موسسات دولتی در غرب رابطه خودشان را با رژیم صهیونیستی به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر نداده‌اند و سیاست‌های خصمانه‌ای در قبال موجودیت این رژیم در پیش نگرفته‌اند. با این وجود، اختلاف نظرات فزاینده نسبت به صهیونیسم، ما بین دولت‌ها، موسسات دولتی و نخبگان از یک طرف و افکار عمومی از طرف دیگر نگرانی‌هایی را برانگیخته است. این نگرانی‌ها زمانی بیشتر می‌شود که ما اختلاف نظرات نسلی میان نخبگان حاکم فعلی و نسل آینده را به موارد فوق اضافه کنیم. همان‌طور که قبلاً گفته شد، منشأ این گرایش‌های دزدساز، صرفاً افزایش تلاش‌های افراد و گروه‌های درگیر در پدیده مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل نیست، بلکه اساساً ترکیب گرایش‌های عمیق اجتماعی و ایدئولوژیک در سیاست‌ها و دستورکارهای فعلی در این رژیم و خارج از آن را نیز در بر می‌گیرد. این دو عامل در جذب و به کارگیری جوامع به‌ویژه گروه‌های لیبرال‌ها و پشتیبانی از روایت‌های طرفداران صهیونیسم مشکلات جدی به وجود می‌آورند. در واقع، تهدید ناشی از مشروعیت‌زدایی باید به‌عنوان یک جنگ فرسایشی طولانی مدت و پایدار در نظر گرفته شود که نیل به اهداف استراتژیک و بلند مدت را نشانه رفته است. اگرچه این اهداف از طریق اقدامات و دستاوردهای تاکتیکی کوتاه مدت دنبال می‌شوند، با این حال، قابل انباشت هستند. آخرین دستاوردهای رژیم اسرائیل و حامیان آن که تصویب برخی قوانین و مقررات در اروپا و ایالات متحده برای زیر سوال بردن مشروعیت جنبش بی.دی.اس و آزادی عمل آن، با اقدامات متقابل همچون حق کارزار بایکوت مواجه شده است، با این وجود، بسیاری از اقدامات جنبش بی.دی.اس نیز آثار و پیامدهای ناچیزی داشته یا در پی اقدامات متقابل موفقیت‌آمیز اردوگاه حامی رژیم اسرائیل با ناکامی همراه شده‌اند.

شبکه‌های رقیب ضد اسرائیل و هوادار آن در حال یادگیری از نبردها بوده و از همین رو در رقابت با یکدیگر هستند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۸ سازمان‌های مخالف رژیم اسرائیل، اقدامات هدفمند و

سازمان یافته‌ای را برای کسب حمایت شوراهاى مختلف محلی سراسر اروپا و ایالات متحده انجام دادند. این اقدامات، نتیجه موفقیت محدود جنبش بی.دی.اس در پیشبرد اهداف خود در سطح دولتی بود که منجر شد تا این جنبش اقدام به نفوذ در دولت‌ها از طریق شوراهاى محلی در کنار تمرکز فعالیت‌های خود در میان توده مردم نماید (Kuperwasser & Simon-tov, 2019: 199-213).

۶- واکنش مخالفان مشروعیت‌زدایی از اسرائیل

بر خلاف نبردهای نظامی که معمولاً دو جانبه بوده و ما بین دو دشمن شناخته شده به وقوع می‌پیوندد، نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل، نبرد بین اردوگاه هوادار این رژیم و اردوگاه مخالف آن برای کسب حمایت مخاطبان هدف گوناگون و متعدد است. اردوگاه هوادار اسرائیل علاوه بر تلاش برای توقف اقدامات اردوگاه ضد اسرائیل و افزون بر تضعیف و ایجاد تزلزل در اردوگاه مخالف اسرائیل، باید تاثیر روایت ضد اسرائیل را در میان مخاطبان هدف مختلف به حداقل برساند و پخش، انتشار و آثار روایت هوادار اسرائیل را تقویت نماید. مخاطبان هدف یکسان نیستند و نگرش آنها نسبت به رژیم اسرائیل تحت تاثیر جهان‌بینی، عقاید سیاسی و اجتماعی، طبقه اجتماعی اقتصادی، تحصیلات، فرهنگ و دیگر ویژگی‌ها قرار می‌گیرد. به همین دلیل، تأثیرگذاری بر نظرات، گرایشات و مواضع آنها مستلزم داشتن تصویر درست از آنها و شناسایی راه‌های مؤثر تأثیرگذاری و سوق دادن آنها به مسیر مطلوب خود است.

گروه‌های هوادار رژیم صهیونیستی که در حال مبارزه با مشروعیت‌زدایان از این رژیم هستند، در سال‌های اخیر استفاده قابل توجهی از شبکه‌های اجتماعی نموده‌اند. برای مثال صدها گروه وابسته به جامعه مدنی هم در سطح جهان و هم در داخل این رژیم، همگام با دولت این رژیم و آژانس‌های آن، به بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی برای مقابله با مخالفان اقدام نموده‌اند. تعریف اهداف مشترک و هماهنگ در این زمینه، در دوره‌ای که بازیگران متعدد اقدام به استفاده از روش‌های مختلف برای انجام عملیات می‌کنند، چالش بسیار پیچیده‌ای به شمار می‌رود. پیچیدگی نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل از استقرار وسیع و جهانی و وقوع آن در زمینه‌های گوناگون همراه با ارتباطات دو سویه ناشی می‌شود، در حالی که هواداران این نبرد از یک ساختار شبکه‌ای، هدفمند، پویا و نیز بدون سلسله مراتب برخوردار هستند. با توجه به ماهیت نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل و چالش‌های آن برای امنیت ملی این رژیم، اتخاذ یک پاسخ مناسب و درخور در برابر آن در سطح داخلی و خارجی امری

اجتناب‌ناپذیر است که شامل اقدامات متقابل و فعالانه، تدافعی، تهاجمی و بازدارنده در کنار انجام فعالیت‌هایی برای شکل و نظم دادن به واقعیت مطلوب و پیشبرد اهداف رژیم اسرائیل می‌باشد.

چالش عمده در اتخاذ یک واکنش مناسب در برابر مخالفان رژیم اسرائیل، به بحث ساختار سازمانی بر می‌گردد و در نهایت این سوال مطرح می‌شود که چه کسی یا چه نهادی مسئول طراحی و انجام این واکنش است. چالش دوم به مزیت‌های نسبی دولت در مقابل گروه‌های وابسته به جامعه مدنی و تقسیم مسئولیت‌ها و وظایف میان این دو اشاره می‌کند. بسیاری از سازمان‌های وابسته به جامعه مدنی به طور ویژه برای پرداختن به تهدید مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل تأسیس شده‌اند.

این سازمان‌ها به دلیل برخورداری از ارتباطات نزدیک و تنگاتنگی که با نهادهای مخالف اسرائیل دارند، درک و فهم واقعی‌تری از رویدادهای واقع در صحنه عمل دارند. این سازمان‌ها در خارج از کشور فعال هستند (و اغلب در رژیم صهیونیستی نمایندگانی دارند که درگیر فعالیت‌ها می‌شوند) و در مورد فرهنگ‌ها، زبان‌ها، نگرش‌ها و نظام‌های ارزشی مخاطبان هدف دارای دانش کافی هستند. به همین دلیل، آنها از این امکان و توانایی برخوردار هستند تا واقعیات ساری و جاری در رژیم صهیونیستی را برای مخاطبان هدف خود تبیین و تحلیل نمایند (Zanotti & others, 2017: 1-16).

رژیم اسرائیل همچنین از امکانات و منابع منحصر به فرد زیادی از جمله برنامه مناسب برای مواجهه با چالش‌ها، ابزارهای لازم برای پاسخ و درک ماهیت تهدید و اهمیت آن برای امنیت ملی خود و یهودیان آواره برخوردار است. رژیم اسرائیل توانایی مدیریت اقدامات و استفاده بهینه‌تر از منابع موجود را به واسطه آشنایی با سازمان‌های مدنی و مزیت‌های نسبی آنها در اختیار دارد. با این حال، سازمان‌های دولتی خصوصاً زمانی که سخن از تمرکز فعالیت‌ها در حوزه‌های مدنی و مخاطبان هدف خارج از کشور به میان بیاید، با محدودیت‌های حقوقی و آیین‌نامه‌ای بسیاری مواجه هستند. افزون بر این، قسمت اعظمی از اعضای اردوگاه حامی رژیم اسرائیل و بسیاری از مخاطبان هدف، منتقد خط‌مشی و سیاست‌های آن بوده و علاقه‌مند به فعالیت تحت نظارت دولت و عمل بر اساس دستورالعمل‌های آن نیستند. بنابراین، حضور رژیم اسرائیل در خط مقدم نبرد نه تنها کمکی به موفقیت در نبرد نمی‌کند، بلکه یک مانع به حساب می‌آید. از این رو مؤثرترین پاسخ، یک پاسخ غیر متمرکز است که طی آن هر سازمانی به طور مستقل عمل کند و نیز اتخاذ یک پاسخ متمرکز و منظم هدایت شده از سوی دولت. از نظر مخالفان مشروعیت‌زدایی، شبکه هوادار رژیم اسرائیل باید بر طبق یک نگاه مشترک و یک استراتژی همه جانبه عمل نمایند و در عین حال آزادی عمل و استقلال سازمان‌های مختلف را حفظ کنند.

اردوگاه هوادار رژیم اسرائیل، بایستی به‌عنوان یک شبکه منسجم عمل کند. بهبود بخشیدن به عملکرد شبکه‌ای مبتنی بر بهره‌گیری از امکانات و مزیت‌های نسبی اجزای مختلف شبکه، تقویت کانال‌های ارتباطی، اشتراک‌گذاری اطلاعات و دانش، یادگیری شبکه‌ای و همکاری بین اجزای گوناگون یک شبکه و همچنین توسعه توانمندی‌های حیاتی می‌باشد. با این حال، شبکه‌سازی به معنای آن نیست که سازمان‌ها باید همگی یک نوع نگاه فکری را پوشش دهند. بهبود فعالیت‌های اردوگاه مخالفان مشروعیت‌زدایی از صهیونیسم و تقویت ارتباطات درونی ما بین اجزای آن در عین حفظ عقاید گوناگون و زمینه‌های فعالیت مختلف، می‌تواند ادعاهای مخالفان رژیم اسرائیل را زیر سوال ببرد. مخالفان اسرائیل در پی آن هستند تا جنبش صهیونیسم را به‌عنوان یک تشکیلات نژادپرست و رژیم اسرائیل را به‌عنوان یک رژیم غیر دموکراتیک معرفی کنند. رژیمی که در صدد است اقدامات متقصدان خود و آزادی بیان را محدود نماید.

واکنش مناسب بایستی عوامل و عناصر مختلف را بر بگیرد. در راستای پاسخ مناسب در درجه اول باید فعالیتی صورت پذیرد تا گوش مخاطبان هدف بی‌طرف و گلوگاه‌های اساسی تصمیم‌سازی مملو از پیام‌های صهیونیستی گردد تا اینکه از مسمومیت اطلاعاتی یا فریب آنها از سوی دشمنان رژیم اسرائیل ممانعت به عمل آید و حمایت آنها از این رژیم جلب شود. دوم، پاسخ بایستی بر تقویت و گسترش دایره هواداران و فعالان در داخل اردوگاه حامیان رژیم اسرائیل استوار باشد (سیاست ائتلاف وسیع) و بر اساس این فهم انجام شود که نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل در تلاش برای متزلزل ساختن انسجام این رژیم است که منشأ مشروعیت و منبع حیاتی آن در کارزار هواداران رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید. این دو عامل شدیداً تحت تأثیر سیاست‌های اسرائیل در قبال کشمکش این رژیم با فلسطینی‌ها می‌باشد. بنابراین، همان‌طور که در بالا ذکر گردید، بایستی اقدامات متعددی برای مواجهه و بی‌اثر نمودن فعالیت‌های نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل و کاهش توانایی جنبش‌های مشروعیت‌زدا برای نفوذ در مخاطبان هدف انجام شود. در این راستا، بایستی میان متقصدان رژیم اسرائیل و آنها که مشروعیت این رژیم را زیر سوال می‌برند، تمایز قائل شد. اردوگاه دوم (مخالفان رژیم اسرائیل) را معمولاً کسانی هدایت می‌کنند که از مشروعیت‌زدایی اسرائیل حمایت می‌نمایند و در پی نابودی آن هستند. البته افراد و گروه‌هایی هم هستند که از رژیم اسرائیل انتقاد می‌کنند و با سیاست‌های آن به مخالفت برمی‌خیزند. با این حال، آنها در ایدئولوژی مشروعیت‌زدایی شریک کاملی محسوب نمی‌شوند

و حق موجودیت رژیم اسرائیل را به چالش نمی‌کشند و لزوماً جزئی از گروه‌های مخالف اسرائیل نیستند.

پاسخ مناسب و هدفمند، باید حلقه‌های حمایت از نبرد مشروعیت‌زدایی را کاهش دهد و با بهره جستن از اختلاف‌نظرها و تفاوت دیدگاه‌ها و ارزش‌های گروه‌های مختلف در داخل نبرد مشروعیت‌زدایی، در انسجام اردوگاه ضد اسرائیلی شکاف ایجاد نماید. افشای اهداف نهایی اقدامات مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل و هویت عاملان و فعالانی که از آن پشتیبانی و حمایت مالی می‌کنند، بسیار مهم می‌باشد. یکی از واکنش‌هایی که می‌توان صورت داد این است که بایستی میان حامیان مشروعیت‌زدایی‌کننده از رژیم اسرائیل که به دنبال نابودی آن هستند و نیز افراد و گروه‌هایی که با شیوه‌های حقوقی و قانونی به انتقاد از سیاست‌های این رژیم می‌پردازند، تمایز قائل شد.

پاسخ اردوگاه هوادار رژیم اسرائیل بایستی مبتنی بر دانش عمیق از واقعیت‌های ساری و جاری در منازعه اسرائیلی-فلسطینی و مخاطبان هدف گوناگون و همچنین توانایی تحلیل آنها باشد. تأثیرگذاری بر نگرش مخاطبان هدف در قبال رژیم اسرائیل مستلزم راه‌اندازی یک نبرد ایدئولوژیک طولانی مدت است که بار دیگر روایت صهیونیستی-اسرائیلی را با نظام ارزشی و ایدئولوژیک جامعه غربی و یهودیان آواره پیوند دهد (Morrison, 2015: 1-16).

با وجودی که جنبش بی.دی.اس از سال‌ها پیش تشکیل شده، اما دستاوردهای عملی و نگرانی روزافزون اسرائیل از تأثیرات این جنبش در سه سال اخیر خود را نشان داده است، با وجود اینکه اطلاعات دقیقی در مورد تأثیر هجمه وسیع و تحریم کالاها بر رژیم صهیونیستی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم وجود ندارد، اما واکنش‌های تند رژیم صهیونیستی در مورد فعالیت‌های این جنبش و برخی شاخص‌های اقتصادی نشان از آن دارد که فعالیت‌های جنبش بی.دی.اس به عامل مهمی برای نگرانی سرکردگان رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. در مورد تحریم آکادمیک و فرهنگی، جنبش مذکور، اخیراً رویکرد گسترده و جهانی برای تحریم علمی مؤسسات اسرائیلی آغاز کرده که باعث نگرانی سردمداران اسرائیل از تأثیر این تحریم‌ها بر دانشگاه‌های اسرائیلی و آسیب دیدن نسل آینده صهیونیست‌ها شده است، چرا که به اعتقاد آنها این نسل باید مناصب عالی آینده رژیم صهیونیستی را بر عهده بگیرند و به این ترتیب تصمیم‌سازی‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در آینده نیز تحت تأثیر این تحریم‌ها قرار خواهد گرفت.

۷- نتیجه

این مقاله نبرد کنونی بر سر مشروعیت بین‌المللی رژیم اسرائیل را به‌عنوان یک موضوع مورد مطالعه از میان نبردهای شناختی در جریان، مورد تحلیل قرار داد. نبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم اسرائیل در بر گیرنده فهم استراتژیک ما بین دو اردوگاه منسجم رقیب می‌شود که در تلاش هستند تا روی مخاطبان هدف مختلف در سراسر دنیا تأثیر بگذارند و نگرش‌ها و مواضع آنها را تغییر دهند. یک نکته تأثیرگذار و مهم در نبرد مشروعیت‌زدایی از اسرائیل این بوده که روایت‌های داخلی مرتبط با اسرائیل یا تحولات مربوط به مناقشه این رژیم با فلسطینیان را با نظام‌های ارزشی و اولویت‌های فرهنگ‌ها و سایر جوامع سراسر جهان بازآفرینی می‌کند و از آنها بهره می‌برد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ایزدی، فؤاد؛ فاطمه شفیعی سروستانی و سعیدرضا عاملی (۱۳۹۳)، «کشمکش بر سر برندسازی رژیم اشغالگر صهیونیستی در آمریکا و دانشگاه هرتزیای رژیم صهیونیستی: مطالعه موردی جنبش بی.دی.اس»، دو فصلنامه دانش سیاسی، پاییز و زمستان، پیاپی ۲.
- ۲- صدرا، علیرضا (۱۳۸۷)، «مشروعیت سیاسی»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳- مهدی‌زاده، سراج‌الله و امیر دبیری مهر (۱۳۹۹)، «جنبش جهانی اسرائیل: ماهیت، اهداف و دستاوردها»، فصلنامه رسانه بین‌الملل، بهار و تابستان، شماره ۵.

منابع غیر فارسی

- 1- "Jewish Voice for Peace Horrified by Israel's Disproportionate Violent Response to Peaceful Protest", Jewish Voice for Peace, April 6, 2016, <https://bit.ly/2Sn2rfc>
- 2- "Killed for Protesting: 6 Things to Know about the Great return march," Jewish Voice for Peace, April 5, 2016, <https://bit.ly/2HAuk1V>.
- 3- Joseph Nye (1990), "Soft Power" Foreign Policy, N. 80
- 4- Kupperwasser Yossi and Simon-Tov David (2019), "Cognitive Campaign: Strategic and Intelligence Perspectives", Institute for National Security Studies, N.197.
- 5- Kurz Anat and Brom Shlomo (2011), "The Delegitimization Threat: Roots, Manifestations, and Containment" Strategic Survey for Israel, Institute for National Security Studies.
- 6- Palestinian BDS National Committee, <https://bit.ly/2a5UIzG>.
- 7- Stryker, Robin (1994), "Rules, Resources and Legitimacy Processes, Some Implication for Social Conflict, Order and Chang", AJS, Vol.99, No 4
- 8- Zanutti Jim, Weiss Martin, Ruan Kathleen and Elsea Jennifer (2017), "Isreal and Boycott, Divestment and Sanctions monument", Congressional Research Service, N. 44281.